**انترناسیونال ۴۵۳**

در دور دوم انتخاب رئیس جمهور فرانسه در یکشبنه ۶ مه فرانسوا اولاند از حزب سوسیالیست برنده شد. در همین روز انتخابات قبل از موعد پارلمان در یونان برگزار گردید. تلاش های احزاب مختلف پارلمانی برای تشکیل دولت به بنی بست خورد و کار به تجدید انتخابات در ماه آینده کشید. حمید تقوایی در مصاحبه ای با تلویزیون کانال جدید به شرایط برگزاری این دو انتخابات و تاثیرات آن در این دو کشور و سایر نقاط از جمله ایران می پردازد. گلشن حیدری در تلویزیون کانال جدید با حمید تقوایی به گفتگو نشسته است.

**انتخابات فرانسه و موقعیت متلاطم سیاسی در یونان**

مصاحبه تلویزیون کانال جدید با حمید تقوایی

گلشن حیدری: در انتخابات ریاست جمهوری فرانسه بعد از سالها سوسیالیست ها پیروز شدند و همانطور که می دانیم شعارشان تعدیل سیاست های سارکوزی در رابطه با ریاضت کشی اقتصادی بود. در انتخابات یونان هم ما احزابی را داشتیم که سنتا دولت را تشکیل می دادند و مدافع و مجری سیاست های ریاضت کشی اقتصادی بودند که بسیار کم رای آوردند. تاثیر سیاسی این تحولات را شما چطور ارزیابی می کنید؟ آیا به نظر شما جناحهای چپ در دولتهای سرمایه داری غرب دست بالا پیدا میکنند؟

حمید تقوایی: به نظر من اینها قبل از هر چیز نشانه نارضایتی عمیق مردم هست نسبت به سیاست هایی که دولت های موجود دارند پیش می برند بخصوص در رابطه با شرایط اقتصادی. می دانید که بحران وسیع و عمیقی همه جای دنیا را فرا گرفته و در این کشورها از غرب تا شرق در سراسر دنیا الآن دولت ها سیاست هایی را به پیش می برند که همه جا یک مضمون و حتی یک اسم دارد: "سیاست ریاضت کشی اقتصادی". معنی اش هم اینست که مردم کارکن در جامعه به کم قناعت کنند. کمربند ها رو به قول خودشان سفت کنند. بیشتر کار کنند، کمتر بخواهند، بیکاری را تحمل کنند، گرانی را تحمل کنند تا اینکه بحران سرمایه داری از جیب آنها بتواند خودش را بهبود بدهد و حل بشود. هیچ نشانه ای هم از تخفیف در این بحران دیده نمیشود. به همین خاطر مردم، فقط هم کارگران نیستند بلکه بخش عظیم جامعه، همین 99 درصدی هایی که امروز دارند علیه یک درصد حاکم شعار میدهند، اینها عمیقا ناراضی اند. در جایی مثل یونان که مدت ها است تلاطم ها و جنبش و اعتراضات وسیع اجتماعی شکل گرفته است. در فرانسه و انگلیس و آمریکا و اروپای غربی و بقیه کشورها هم، وضع از این بهتر نیست. اینکه در این انتخابات ها ببینیم احزاب سنتی، احزاب راست، احزابی که صریحا و علنا از ریاضت کشی اقتصادی حمایت می کردند و آنرا می خواستند به جامعه تحمیل کنند، رای نمی آورند، به نظر من اساسا نشان دهنده اعتراضات شدید و نارضایتی شدید مردم نسبت به این سیاست ها است. انعکاسش در بین احزاب پارلمانی اینست که احزاب سنتا چپ تر در دولت ها، احزاب حکومتی چپ یا به اصطلاح جناح چپ بورژوازی میایند جلو. در فرانسه شاهد این بودیم که بعد از مدتها یک کاندید حزب سوسیالیست قدرت را می گیرد و این انعکاسی هست صرفا از اینکه جامعه چقدر از این وضعیت ناراضی است. به نظر من این نارضایتی ها ادامه پیدا می کند و باید منتظر تحولات بیشتری در سطح دولتها و انتخابات ها و غیره در کشورهای غربی باشیم.

گلشن حیدری: فکر می کنید سرمایه داری جهانی در رابطه با این بحران اقتصادی که الآن شاهدش هستیم، با این شدت همینطور بر سیاست های ریاضت کشی اقتصادی خودش تاکید خواهد داشت؟ یعنی انتخابات فرانسه و یونان که نوعی نارضایتی بود برعلیه سیاست های ریاضت کشی اقتصادی. فکر می کنید سرمایه داری جهانی تجدید نظر می کند یا همینطور به این وضعیت سیاست ریاضت کشی اقتصادی خودش ادامه می دهد؟

حمید تقوایی: به نظر من از نظر اقتصادی اینها به بن بست رسیده اند. راه حل دیگری ندارند. اینطور نیست که سیاستمدارها بتوانند تصمیم بگیرند که خوب حالا میرویم و مثلا فلان کار را می کنیم گرانی حل می شود، یا اشتغال ایجاد میشود، بیکاری حل میشود. یا اجازه بدهید به کارگرها اضافه دستمزد بدهیم. یا مثلا مهد کودک ها را نبندیم. از خدمات و بیمه ها نزنیم. ریاضت کشی اقتصادی یعنی اعمال همین فشارها و از نظر اقتصادی چاره ای جز این ندارند. منتها یک چیز هست، وقتی احزاب به اصطلاح چپ تر یا تحت نام سوسیالیست و غیره ـ جناح چپ بورژوازی ـ در این کشورها به قدرت می رسند، همان سیاست ها را معمولا با ظاهر دیگری، با شعارها و با تمهیدات دیگری می خواهند به پیش ببرند. به نظر من این اتفاق ممکن است بیفتد ولی از نظر محتوا و مضمون بخصوص تا آنجا که به سیاست های اقتصادی مربوط میشود، من فکر نمی کنم فرق چندانی در قضیه داده بشود. ولی اهمیت سیاسی قضیه به نظر من این هست که بعد از چند دهه دست بالا داشتن احزاب راست، طرفدار بازار آزاد و طرفدار زدن از کلیه خدمات اجتماعی، طرفدار اعمال فشار شدید به کارگران و به مردم زحمتکش و طرفداری صریح و عریان از ریاضت کشی اقتصادی، این خط عقب رانده میشود و این را باید از دریچه چشم مردم و کارگران نگاه کنیم، این یک گام به جلو است که منفذی را باز می کند، اجازه میدهد مبارزات شدیدتر بشود، اجازه میدهد دیگر سیاست ریاضت کشی اقتصادی را لااقل علنا نتوانند تبلیغ کنند و از پشت حتی این ظاهر سازی هایی که می خواهند بکنند هم مردم به نظر من می بینند، متوجه میشوند و فشار بیشتر میشود بر علیه پیشبرد سیاست ریاضت کشی اقتصادی، با هر ظاهری و تحت هر عنوانی. به نظر من این جنبش اعتراضی، جنبش اعتراضی مردم، جنبش کارگری به این سمت میرود و از این نقطه نظر یک گام به جلو است. از دید مردم و کارگران و مبارزاتشان. ولی به نظر من بورژوازی، کل جناح هایش، چاره ای ندارد تا همین سیاست های اقتصادی را پیش ببرد، حالا گیرم با ظاهر و شعارها و تبلیغات متفاوت. چاره ای جز این ندارند.

گلشن حیدری: حالا از زاویه دیگری اگر بخواهیم انتخابات فرانسه و یونان را نگاه بکنیم به این نتیجه می رسیم که فقط چپ ها، سوسیالیست ها و احزاب چپ بورژوازی نبودند که اقبال بیشتری داشتند، شانس داشتند که پیروز شدند، بلکه راست افراطی هم آرا یش بالا رفت. مثلا در فرانسه 18 درصد راست افراطی رای به خودش اختصاص داد. چقدر باید نگران این راست افراطی باشیم؟ آیا باید جدی بگیریمش؟

حمید تقوایی: ببینید، این هم باز یک حالت به اصطلاح کلاسیک و قابل انتظاری هست. در شرایط بحران اقتصادی راست افراطی معمولا جلو میاید با شعارهایی شبیه اینکه گرانی یا بیکاری و شرایط فلاکتبار اقتصادی تقصیر مهاجرین است، گویا خارجی ها آمدند وضع خراب شده است. و مهاجر ستیزی، بیگانه ستیزی و در نتیجه تبلیغات راسیستی، اینکه اروپا مال اروپایی ها است و فرانسه مال فرانسوی ها است، مهاجرین را بیرون بریزید و غیره زمینه پیدا میکند. در اسکاندیناوی هم همینطوره، در فرانسه هم همینطوره، در یونان هم شعارشان همینطور بود. بنابر این راست های افراطی هم با به اصطلاح کشیدن عکس مار می خواهند بگویند مسئله را می شناسیم منتهی راه حلش این است که خارجی ها را اخراج کنید و با اخرج آنها کار ایجاد میشود و وضع درست میشود و غیره. این تبلیغاتی است که راسیستها می کنند و طبعا رای به آنها هم، روی آوری بخشی از جامعه به راست افراطی هم نشان دهنده اینست که وضعیت موجود را مردم قبول ندارند. در هر حال در شرایط بحرانی، در شرایط از لحاظ اقتصادی و سیاسی شبیه شرایط امروز ما، دیگر احزاب میانه رو جای زیادی ندارند در سیاست. چون قضیه کاملا قطبی میشود بین چپ و راست. یا به اصطلاح بین همان ۹۹ درصدی ها و یک درصدی ها و در نتیجه احزاب افراطی حالا از چپ و راست میدان پیدا می کنند. و وظیفه ما چپ ها، اینکه پرسیدید چقدر اینها شانس دارند یا چقدر باید نگران بود، به نظر من هر اندازه اینها در جامعه رشد کنند یا رای جمع کنند یا تبلیغاتشان برد پیدا کند باید به همان اندازه نگران بود و در برابرش ایستاد. برخورد لیبرالی، راست میانه یا احزاب میانی و میانه رو بورژوایی قادر به پاسخگویی نیستند. در مقابل راسیسم فقط می تواند چپ بایستد و جوابشان را بدهد. و از این نقطه نظر به نظر من این هم یک جبهه ای هست که چپ ها نه تنها علیه ریاضت کشی اقتصادی و سیاست ها و دولت های موجود بلکه علیه اپوزیسیون راسیست و راست افراطی باید بایستند و آنرا خنثی کنند. به هیچوجه نباید اینها را دست کم گرفت و یا فکر کرد که خود بخود اینها از بین میروند. باید علیه شان مبارزه کرد.

گلشن حیدری: حمید تقوایی آخرین سوال را اینطور مطرح می کنم تاثیرات این وقایع و تحولات در سطح جهان، انتخابات یونان، انتخابات فرانسه، چه تاثیری می تواند در خاورمیانه و مشخصا در اوضاع ایران داشته باشد؟

حمید تقوایی: ببینید، خوب در خاورمیانه که ما انقلاباتی داشتیم که دقیقا ریشه هایش همین فقر و گرانی و بیکاری و تاثیرات سیاست های اقتصادی دولت های موجود بود و این انقلاب ها هنوز تعیین تکلیف نشده، بسته نشده. گرچه نقطه اوجش گذشته و به اصطلاح شرایط نسبتا آرامتری الآن مثلا در کشورهایی مثل مصر یا لیبی و غیره می بینید ولی کماکان بر سر همین نوع مسائل کشمکش ادامه دارد.

در جامعه ای مثل ایران خوب آن راست افراطی و راسیست و کاملا ضد مردمی که صحبتش را می کردیم، در ایران مدتها است حاکم است. جمهوری اسلامی حکومتی است که اگر راست افراطی در یونان، احزاب اپوزیسیون راست فاشیست دارند شعار علیه خارجی ها میدهند، خود جمهوری اسلامی الآن علیه کارگران افغانی این پرچم را بلند کرده است. و قانون دارند میگذرانند که مهاجرین افغانی در فلان روز، مثلا سیزده بدر، بیرون نیایند یا در فلان پارک حضور پیدا نکنند و همه می دانیم چه اجحافات واقعا شدیدی در حق مهاجرین افغان در ایران روا میشود. این سیاست های دولت است. بحث ریاضت کشی اقتصادی هم که پرچم دولت احمدی نژادست. از دو سه سال قبل آن را بلند کرده و اعتراضات علیه اش هم می بینیم وسیع هست. از طرف دیگر تحت شرایط تحریم های اقتصادی که اعمال شده وضع مردم از بد هم بدتر شده. بنابراین شرایط سیاسی ایران کاملا نمونه هست از نظر فجایعی که سیاست های راست افراطی و ضد انسانی به یک جامعه می تواند تحمیل کند و جمهوری اسلامی نماینده این هست. این تحولات اخیر در منطقه به نظر من گامهایی است به نفع اعتراضات مردم، مبارزات مردم. باید انتظار داشت یا باید کوشید، حزبی مثل حزب ما باید تمام فعالیتش را در این جهت بگذارد که با توجه به این عقب نشینی ها تعرض فعالی علیه راست شکل بگیرد. حتی اگر که احزاب دیگر راست در غرب بیایند روی کار، ولی عقب نشینی هایی که تاکنون تحمیل شده به احزاب سنتی در غرب، این معنی اش برای مردم ایران، برای کارگران ایران این است که میشود این عقب نشینی ها را تحمیل کرد. میشود این سیاست ها را در ایران هم به شکست بکشانیم و در نهایت معنی به شکست کشاندن این سیاست ها در ایران یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی. به نظر من جنبش انقلابی در ایران، جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی در ایران از این اتفاقات اعتماد به نفس بیشتری پیدا می کند، امید به پیروزی بیشتری پیدا می کند و الهام میگیرد و از این نقطه نظر به نظر من کاملا تحولاتی است که جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار میدهد و بحرانی را که الآن جمهوری اسلامی دارد میشود پیش بینی کرد که به مراتب شدید تر و عمیق تر خواهد شد.

با تشکر از شما حمید تقوایی

منهم تشکر می کنم